

## فهرست مطالب

دیباچه دکتر معرفت حقی.....	۱۵
پیشگفتار.....	۱۷
مقدمه.....	۱۹
<b>عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری حقوق نفت.....</b>	<b>۲۱</b>
۱- عوامل فنی.....	۲۱
۲- عوامل اقتصادی.....	۲۱
۳- عوامل سیاسی بین‌المللی.....	۲۲
۴- قانون نفت.....	۲۲
۵- اعتبار ملی.....	۲۳
عملیات نفتی.....	۲۳
الف) عملیات بالادستی نفت و گاز.....	۲۳
الف- اکتشاف.....	۲۴
ب- توسعه.....	۲۴
ج- بهره‌برداری.....	۲۵
بررسی اصول و قواعد مشترک در قراردادهای بالادستی صنعت نفت.....	۲۵
تمایزات انواع قراردادهای بالادستی صنعت نفت.....	۲۷
ب) عملیات پایین دستی نفت و گاز.....	۳۲
<b>سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در عملیات نفتی.....</b>	<b>۳۵</b>
قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی.....	۳۷
قراردادهای نفتی بین‌المللی.....	۳۹
اهداف قانون برنامه پنجم توسعه.....	۴۰
شرایط کلی و قانونی قراردادهای نفتی.....	۴۳
ارتباط حقوق نفت و حقوق قراردادها.....	۴۴

- ۴۵ مالکیت منابع نفتی در ایران.....
- ۴۶ اصل آزادی قراردادی (حاکمیت اراده).....
- ۴۶ انتقادات وارده بر اصل آزادی قراردادی.....
- ۴۷ اصل حسن نیت.....
- ۴۸ اصل اعتماد و محرمانه بودن اطلاعات.....
- ۴۹ اصل نسبیت قراردادی.....
- ۵۰ اصل لزوم قراردادی.....
- ۵۱ اصل لزوم جلب سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت نفت و گاز.....
- ۵۱ عوامل مؤثر در انتخاب نوع قرارداد نفتی.....
- ۵۲ الف) عوامل داخلی.....
- ۵۲ ب) عوامل بین‌المللی.....
- ۵۳ وضعیت مخازن مشترک ایران و همسایگان از منظر حقوق بین‌الملل**.....
- ۵۵ الف) مبنا و منشأ اختلافات.....
- ۶۰ ب) رابطه ایران با دولت‌های جنوبی خلیج فارس.....
- ۶۱ ج) آخرین اقدامات بین‌المللی برای تدوین قواعد مربوط به بهره‌برداری از منابع طبیعی مشترک.....
- ۶۵ میادین مشترک و موضع حقوق بین‌الملل.....
- ۶۶ الف) اشکال توسعه مشترک.....
- ۶۶ ۱- مدل یک دولتی.....
- ۶۷ ۲- مدل سیستم اجباری مشارکت انتفاعی.....
- ۶۷ ۳- مدل مقام مشترک.....
- ۶۸ ب) اعمال اصل همکاری و بررسی میزان برداشت.....
- ۷۰ ج) مفهوم همکاری و منع اقدامات یک‌جانبه در بهره‌برداری.....
- ۷۱ حقوق و نظام مربوط به استخراج و بهره‌برداری.....
- ۷۵ منابع حقوقی حاکم بر قراردادهای نفتی.....
- ۷۵ ۱- قانون اساسی: اصول ۴۴- ۴۵ و ۸۱.....
- ۷۵ ۲- قانون ۱۳۳۳.....
- ۷۶ ۳- قانون نفت مصوب ۱۳۳۶.....
- ۷۶ ۴- قانون نفت مصوب ۱۳۵۳.....
- ۷۷ ۵- قانون نفت مصوب ۱۳۶۶.....
- ۸۰ ۶- قانون مدنی: مواد (۹۶۸-۹۶۹-۹۷۴-۹۷۵ و ۲۱۰- الی ۲۳۱ و ۲۴۳ و ۱۲۴۰ و ۱۲۴۱).....



۸۰	۷- سایر مقررات داخلی حاکم بر قراردادهای نفتی .....
۸۵	۸- قوانین، کنوانسیون‌ها و معاهدات بین المللی حاکم بر قراردادهای نفتی .....
۸۷	تحلیلی از انگیزه‌های طرفین در انعقاد انواع قراردادهای نفتی .....
۸۹	<b>اصول حقوقی حاکم بر قراردادهای بین المللی نفتی .....</b>
۹۰	اصل حاکمیت دولت میزبان بر منابع طبیعی و گسترش آن .....
۹۰	ارتباط اصل حاکمیت بر منابع طبیعی و شرط ثبات در قراردادهای نفتی .....
۹۱	رابطه اصل حاکمیت بر منابع طبیعی و معاهدات سرمایه‌گذاری .....
۹۲	ماهیت قراردادهای نفتی .....
۹۳	انواع قراردادهای نفتی ایران .....
۹۳	۱- قراردادهای امتیازی .....
۹۴	سیستم حقوقی امتیازی بر دو گونه است .....
۹۶	چگونگی درآمد دولت میزبان از قراردادهای امتیازی: .....
۹۶	۱- پذیره .....
۹۷	۲- حق الارض .....
۹۸	۳- بهره مالکانه .....
۹۸	۴- مالیات .....
۹۹	سابقه‌ی قراردادهای امتیازی در تاریخ حقوق نفت ایران .....
۹۹	۱- امتیاز رویتر ۱۲۵۱ .....
۱۰۰	۲- امتیاز هوتز ۱۲۶۲ .....
۱۰۱	۳- امتیاز خوشتاریا ۱۲۷۴ .....
۱۰۲	۴- امتیاز داریسی ۱۲۸۰ .....
۱۰۵	۵- امتیاز سینکلر ۱۳۰۳ .....
۱۰۵	۶- امتیاز سمنان کویرخوریان (۱۳۰۴ شمسی) .....
۱۰۶	۷- امتیاز متمم داریسی ۱۳۱۲ .....
۱۰۸	الف- مزایای قرارداد ۱۹۳۳ .....
۱۰۹	معایب قرارداد ۱۹۳۳ .....
۱۰۹	امتیاز امیرانین ۱۳۱۵ .....
۱۱۰	۹- امتیاز قوام - سارچیکوف ۱۳۲۵ .....
۱۱۱	۱۰- امتیاز معاهده گس گلشائیان ۱۳۲۸ .....
۱۱۳	۱۱- امتیاز کنسرسیوم ۱۳۳۳ .....

- ۱۲- قرارداد سن موریتس ۱۳۵۲ ..... ۱۱۵
- سیستم‌های قراردادی ..... ۱۱۷
- عناصر تشکیل دهنده موافقتنامه‌های مشارکت در تولید ..... ۱۱۹
- ساختار کلی قراردادهای مشارکت در تولید ..... ۱۲۱
- ویژگی‌های قراردادهای مشارکت در تولید ..... ۱۲۲
- عناصر اصلی و محورهای قراردادهای مشارکت در تولید ..... ۱۲۳
- نقاط ضعف و قوت قراردادهای مشارکت در تولید ..... ۱۲۵
- سابقه‌ی تاریخی قراردادهای مشارکت در تولید ..... ۱۲۵
- ۱- قرارداد ایران و آجیب مینراریا ۱۳۳۶ ..... ۱۲۵
- ۲- قرارداد ایران و پان امریکن ۱۳۳۷ ..... ۱۲۷
- ۳- قرارداد شرکت نفت ایران - کانادا ۱۳۳۷ ..... ۱۲۸
- ۴- قراردادهای شش گانه ۱۳۴۴ (دومیکو، ایروپکو، ایمینوکو، لایکو، ال.پی.سی، پگوپکو) ..... ۱۲۹
- قرارداد دومیکو ..... ۱۳۰
- قرارداد ایروپکو ..... ۱۳۰
- قرارداد ایمینوکو ..... ۱۳۱
- قرارداد لاپکو ..... ۱۳۱
- قرارداد پگوپکو ..... ۱۳۱
- قرارداد اف. پی. سی ..... ۱۳۲
- ۵- قراردادهای سه گانه (اینپکو، هوپکو و بوشکو) ۱۳۵۰ ..... ۱۳۲
- ۶- قرارداد شرکت نفت ایران - نیپون ۱۳۵۰ ..... ۱۳۲
- قراردادهای مشارکت در سود ..... ۱۳۳
- قراردادهای مشارکت در سرمایه ..... ۱۳۴
- قراردادهای مشارکت در سرمایه گذاری ..... ۱۳۴
- ویژگی‌های مشارکت در سرمایه گذاری ..... ۱۳۵
- قراردادهای خرید خدمت ..... ۱۳۶
- قراردادهای خرید خدمات ریسک پذیر ..... ۱۳۶
- اصول کلی قراردادهای خدماتی ..... ۱۳۸
- ۱- قرارداد اراپ (ایران و فرانسه) ۱۳۴۵ ..... ۱۳۸
- ۲- قرارداد ایران و ۵ شرکت اروپایی ۱۳۴۷ ..... ۱۳۹
- ۳- قرارداد ایران کانتینتال ۱۳۴۸ ..... ۱۳۹
- قراردادهای خرید خدمت ساده ..... ۱۴۰
- قراردادهای بیع متقابل ..... ۱۴۰



۱۵۰	ویژگی‌های قراردادهای بیع متقابل
۱۵۱	نقاط قوت وضعف قراردادهای بیع متقابل
۱۵۷	قراردادهای EPC
۱۵۸	انواع سرمایه‌گذاری‌های خارجی
۱۶۳	ویژگی‌های اجرایی قراردادهای EPC به روش
۱۶۳	موفقیت اجرای قراردادهای EPC به چه اصولی بستگی دارد؟
۱۶۴	خصوصیات لازم برای نماینده‌ی کارفرما در قراردادهای EPC
۱۶۴	مزایای اجرای قراردادهای EPC به روش
۱۶۵	معایب اجرای قراردادهای EPC به روش
۱۶۵	انگیزه هدایت بازار کار به سمت قراردادهای EPC
۱۶۶	وجوه مشترک قراردادهای نفتی
۱۶۸	مقایسه‌ی ساختار انواع قراردادهای رایج در صنعت نفت و گاز
۱۶۹	فسخ قراردادهای نفتی
۱۶۹	موارد فسخ قراردادهای نفتی عبارتند از
۱۷۰	فورس ماژور در قراردادهای نفتی
۱۷۰	شرایط تحقق فورس ماژور
۱۷۰	مصادیق فورس ماژور یا قوه قهریه
۱۷۱	قرارداد فروش نفت
۱۷۲	انتقال قراردادهای نفتی
۱۷۳	بازارهای مهم گاز ایران
۱۷۸	قراردادهای خرید و فروش گاز
۱۸۷	قراردادهای جدید توسعه و بهره‌برداری نفتی
۱۹۲	شرط ثبات در قراردادهای نفتی
۱۹۴	اقسام شرط ثبات در قراردادهای نفتی
۱۹۴	شرط کالوو در قراردادهای نفتی
۱۹۴	ماهیت حقوقی شرط کالوو
۱۹۵	علت تعدد نظام حقوقی قراردادهای نفتی
۲۰۱	لزوم شفاف‌سازی در صنعت نفت
۲۰۳	جایگاه قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز در حقوق بین‌الملل
۲۰۴	۱- نظریه قراردادهای بیقانون
۲۰۴	۲- نظریه تابعیت قرارداد از حقوق بین‌الملل

- ۳- قرارداد فراملی ..... ۲۰۵
- ۴- قانون بازرگانی ..... ۲۰۵
- ۵- اصول عمومی حقوق ..... ۲۰۶
- حل و فصل اختلافات نفتی ..... ۲۰۷**
- ترتیبات قراردادی ..... ۲۰۷
- اقسام ترتیبات قراردادی برای حل و فصل اختلافات ..... ۲۰۷
- ۲- روش‌های جایگزین - مراجعه به شخص ثالث برای حل اختلافات ..... ۲۰۹
- ۳- روش‌های حقوقی حل و فصل اختلاف ..... ۲۱۱
- الف- دادرسی ..... ۲۱۱
- ب- داوری ..... ۲۱۳
- دلایل برتری داوری بر دادرسی ..... ۲۱۳
- شرط داوری در قانون اساسی ..... ۲۱۵
- داوری در دعاوی نفتی ایران و آمریکا ..... ۲۱۶
- زمینه‌های بروز دعاوی نفتی ..... ۲۲۱
- رویه‌های داوری ..... ۲۲۷
- رویه دیوان داوری ایران - آمریکا در دعاوی نفتی ..... ۲۲۷
- ۱- رای صادره در قضیه سدکو ..... ۲۲۷
- ۲- قضیه کنسرسیوم و قضیه آموکو ..... ۲۳۰
- ۳- رای صادره در قضیه کنسرسیوم (۱۹۸۶) ..... ۲۳۲
- شرح و تفصیل رای جزئی دیوان داوری ..... ۲۳۴
- ضابطه غرامت در قضیه کنسرسیوم ..... ۲۳۵
- ۴- رای صادره در قضیه آموکو (۱۹۸۶) ..... ۲۳۸
- تفکیک سلب مالکیت به نحو مشروع و غیرمشروع ..... ۲۴۰
- ضابطه غرامت در قضیه آموکو ..... ۲۴۱
- تحریم‌های اقتصادی ..... ۲۴۷**
- تاریخچه تحریم‌های آمریکا علیه ایران ..... ۲۴۸
- قطعنامه‌های شورای امنیت ..... ۲۴۹
- ابعاد نظری تحریم ..... ۲۵۴
- انواع تحریم‌ها ..... ۲۵۶

۲۵۶.....	تحریم‌ها بر اساس اهداف به دو نوع تقسیم می‌شوند:.....
۲۵۶.....	ابعاد حقوقی تحریم.....
۲۵۸.....	هزینه‌های تحریم و مکانیزم اثربخش تحریم.....
۲۶۲.....	تحریم‌های نفتی.....
۲۶۳.....	تحریم توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد.....
۲۶۴.....	تحریم اقتصادی یک‌جانبه ایالات متحده آمریکا علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل.....
۲۶۵.....	دلایل موافقین و مخالفین مشروعیت تحریم اقتصادی یک‌جانبه.....
۲۶۵.....	استدلالات موافقین تحریم اقتصادی یک‌جانبه آمریکا علیه ایران.....
۲۶۵.....	۱. اصل بر حاکمیت کشورهاست.....
۲۶۶.....	۲. تحریم به عنوان عملی متقابل.....
۲۶۷.....	۳. فراسرزمینی بودن یک قانون به طور بالقوه اشکالی ندارد.....
۲۶۸.....	۴. تحریم آمریکا شرط ضمن عقد است.....
۲۶۸.....	۵. تحریم آمریکا خلاف تعهدات عام‌الشمول آمریکا نیست.....
۲۷۰.....	۶. اصل آزادی تجارت اصل کلی حقوقی بین‌المللی نیست.....
۲۷۰.....	استدلالات مخالفین تحریم اقتصادی یک‌جانبه آمریکا علیه ایران.....
۲۷۰.....	۱. تعارض تحریم و اصل عدم مداخله.....
۲۷۲.....	۲. تنافی تحریم و آزادی تجارت.....
۲۷۳.....	۳. مبانی تحریم با تعهدات بین‌المللی.....
۲۷۴.....	تحریم و حقوق بشر.....
۲۷۴.....	۱- حق فعالیت اقتصادی.....
۲۷۵.....	۲- حق بر توسعه.....
۲۷۵.....	۳- حق تعیین سرنوشت.....
۲۷۶.....	۴- اصل مسئولیت فردی در مجازات.....
۲۷۹.....	<b>منضمات.....</b>
۲۹۵.....	فصل اول - کلیات و سرمایه.....
۲۹۵.....	فصل دوم - موضوع شرکت.....
۳۰۰.....	فصل سوم - ارکان شرکت.....
۳۰۱.....	قسمت اول - مجمع عمومی.....
۳۰۲.....	قسمت دوم - شورای عالی.....
۳۰۳.....	قسمت سوم - هیأت مدیره.....

۳۰۸.....	قسمت چهارم - هیأت عالی بازرسی.....
۳۰۹.....	فصل چهارم - ترازنامه و حساب‌های سود و زیان.....
۳۱۰.....	فصل پنجم - سایر مقررات.....
۳۱۳.....	فصل اول - کلیات و سرمایه.....
۳۱۴.....	فصل دوم - موضوع - وظایف - حقوق و اختیارات شرکت.....
۳۲۷.....	فصل سوم - ارکان شرکت.....
۳۲۷.....	قسمت اول.....
۳۲۹.....	قسمت دوم - هیأت مدیره و مدیر عامل.....
۳۳۲.....	وظایف و اختیارات هیأت مدیره.....
۳۳۴.....	قسمت سوم - هیأت عالی بازرسی.....
۳۳۶.....	فصل چهاردهم - ترازنامه و حساب سود و زیان.....
۳۳۸.....	فصل پنجم - سایر مقررات.....
۳۴۰.....	ماده ۱ - اصطلاحات و تعبیرات.....
۳۴۱.....	ماده ۲ - اختیارات و وظایف شرکت ملی نفت ایران.....
۳۴۱.....	ماده ۳ - اجازه مذاکره و انعقاد قرارداد.....
۳۴۲.....	ماده ۴ - اعلان آزادی بخش‌ها.....
۳۴۳.....	ماده ۵ - دریافت پیشنهادها.....
۳۴۳.....	ماده ۶ - رد و قبول پیشنهادها.....
۳۴۳.....	ماده ۷ - شرایط تقدم و اولویت.....
۳۴۳.....	ماده ۸ - امضای قرارداد پیمانکاری.....
۳۴۴.....	ماده ۹ - مساحت ناحیه عملیات.....
۳۴۴.....	ماده ۱۰ - مدت.....
۳۴۵.....	ماده ۱۱ - مسئولیت‌های طرف قرارداد در مرحله اکتشاف.....
۳۴۵.....	ماده ۱۲ - قرارداد فروش نفت.....
۳۴۶.....	ماده ۱۳ - تولید تجاری.....
۳۴۶.....	ماده ۱۴ - پایان مرحله اکتشاف.....
۳۴۷.....	ماده ۱۵ - ادامه عملیات.....
۳۴۷.....	ماده ۱۶ - خاتمه قرارداد به علت عدم کشف نفت.....
۳۴۸.....	ماده ۱۷ - تعهدات طرف قرارداد.....
۳۴۸.....	ماده ۱۸ - کنترل عملیات.....
۳۴۸.....	ماده ۱۹ - مالکیت نفت.....
۳۴۸.....	ماده ۲۰ - استخدام خارجیان.....
۳۴۹.....	ماده ۲۱ - انتقالات.....



۳۴۹.....	ماده ۲۲ - ضمانت اجرایی.....
۳۴۹.....	ماده ۲۳ - رفع اختلافات.....
۳۴۹.....	ماده ۲۴ - مصرف کالاها و خدمات.....
۳۴۹.....	ماده ۲۵ - تحصیل اراضی و واردات.....
۳۵۰.....	ماده ۲۶ - محافظت منابع و جلوگیری از آلودگی محیط.....
۳۵۰.....	ماده ۲۷ - نفت مناطق دریایی.....
۳۵۰.....	ماده ۲۸ - منافع ایران.....
۳۵۱.....	ماده ۲۹ - شمول قانون.....
۳۵۱.....	ماده ۳۰ - تعیین قیمت و آیین نامه‌های اجرایی.....
۳۵۳.....	منابع نفتی، ثروت عمومی است.....
۳۵۴.....	وظائف و اختیارات وزارت نفت.....
۳۵۵.....	حفاظت از منابع و تاسیسات.....
۳۵۵.....	اصلاحیه‌ی قانون نفت مصوب ۱۳۶۶/۶/۹.....
۳۵۵.....	۱- نفت.....
۳۵۶.....	۲- گاز طبیعی.....
۳۵۶.....	۳- منابع نفتی.....
۳۵۶.....	۴- عملیات بالادستی نفت.....
۳۵۶.....	۵- عملیات پایین‌دستی نفت.....
۳۵۷.....	۶- واحد عملیاتی.....
۳۵۷.....	۷- تولید صیانت شده از منابع نفت.....
۳۵۷.....	۸- فرآورده‌های نفتی.....
۳۵۷.....	۹- محصولات پتروشیمیایی.....
۳۵۷.....	۱۰- محصولات نهایی.....
۳۵۷.....	۱۱- انتقال نفت.....
۳۵۷.....	۱۲- انتقال فرآورده‌های نفتی.....
۳۵۸.....	۱۳- خطوط لوله.....
۳۵۸.....	۱۴- تجارت نفت، فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمیایی.....
۳۵۸.....	۱۵- ذخیره‌سازی نفت و فرآورده‌های نفتی.....
۳۵۸.....	۱۶- قرارداد نفتی.....
۳۵۸.....	۱۷- امور حاکمیتی صنعت نفت.....
۳۵۸.....	شرکت‌های اصلی تابعه وزارت نفت.....
۳۶۳.....	منابع.....



## دیباچه دکتر معرفت حقی

حقوقدان بین‌المللی و قاضی دادگاه بین‌المللی کیفری لاهه

حقوق مجموعه قواعدی است که به منظور استقرار نظم و تأمین عدالت بر جامعه ایجاد می‌شود و اجرای آن از طرف نهادهای اجتماعی تضمین می‌گردد. هر جامعه متمدن نیاز به ضوابط حقوقی خاصی است که با آداب و رسوم و اخلاق و فرهنگ آن جامعه موافق و هماهنگ باشد. فلسفه وجودی حقوق و ضوابط حقوقی در هر اجتماعی تضمین آزادی‌های فردی انسان در برابر نیروهای حکومت و صاحبان قدرت است و در عین حال حدود و ثغور حقوق و تکالیف آحاد جامعه و حاکمیت دولت و حکومت را در برابر مردم مشخص می‌سازد.

حقوق قراردادهای بخش اساسی و لاینفک حقوق خصوصی می‌باشد. عمده روابط خصوصی افراد از طریق عقود و قراردادهای تنظیم و تعریف می‌شود و بنابراین حقوق قراردادهای جایگاه ممتازی در حقوق خصوصی ایفا می‌کند. حقوق نفت نیز ارتباط نزدیکی با قراردادهای نفتی دارد.

قرارداد نفتی در واقع سند است که در آن توافقات و ترتیبات طرفین پیرامون موضوع نفت درج می‌شود و در صورت اختلاف بین طرفین مورد استناد قرار بگیرد.

مؤلفین فرهیخته این کتاب تحقیق جدیدی را در زمینه حقوق نفت ارائه کرده‌اند که از هر جهت در خور توجه و نیاز محققان می‌باشد.

در این کتاب سعی شده است که مسائل حقوق نفت به نثری روان و در عین حال مستحکم در اختیار خوانندگان قرار گیرد و مطالب آن می‌تواند برای حقوقدانان و محققین این رشته بسیار مؤثر واقع گردد.

در انتها از زحمات و تلاش مؤلفین این کتاب که وقت خود را صرف تنظیم و تدوین مجموعه حاضر نموده‌اند نهایت تشکر را دارم.

این کتاب کاری ارزنده و شایسته قدردانی است ولو آنکه عاری از عیب و نقص می‌تواند نباشد، ولی به نوبه خود گواهی در زمینه ارتقاء فرهنگ و دانش حقوقی خواهد بود.

با امید به استقرار کامل عدالت و حکومت قانون، توفیق این عزیزان و همه تلاشگران راه علم و دانش را از خداوند متعال مسئلت دارم.

دکتر معرفت حقی



## پیشگفتار

کاوش در مباحث حقوق میسر نیست، مگر با خوشه‌چینی از خرمن تلاش مستمر و جان‌فروسی آنان که مشعل افروزان معبد علمند و بر بلندای گذشته، دیده بر دورنمای آینده دوخته‌اند همراه با توسعه‌ی جوامع و وسعت گسترده‌ی نیازهای انسانی و ایجاد مسائل مستعدته در پی رهیافت‌های حقوقی جهت انتظام بخشیدن به این امور هستند.

مؤلفین این کتاب نیز در نگارش، خود را وامدار اساتید ارجمندی می‌دانند که گرانبهاترین لحاظت عمر شریف خود را مصروف تحقیق، تدریس، تألیف و توسعه حقوق نمودند و مجموعه کتب و مقالات و مطالعات آنان، گنجینه‌ای ارزشمندتر در دسترس شیفتگان این رشته از حقوق قرار داده است. نوشته‌ای که اینک به صورت کتاب تنظیم شده و تقدیم می‌شود حاصل تلاش آقایان دکتر عبدالواحد قادری، احسان شریف آرا و سرکار خانم اوین قادری و اینجانب می‌باشد. امتیازات کتاب به شرح ذیل می‌باشد:

۱. مطالب کتاب برای دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترا، حقوقدانان، وکلا و قضات به خصوص محققین حوزه حقوق قابل استفاده است.
  ۲. همواره سعی گردیده، مطالب کتاب به شکل روان به رشته تحریر درآید تا فهم آن برای خواننده آسان باشد.
  ۳. در کتاب، صرفاً به مطالب اصلی و اساسی پرداخت شده و از ورود به مباحث فرعی و غیرضروری پرهیز شده است.
  ۴. مطالب کتاب به نحوی گردآوری شده که خواننده از مراجعه به سایر کتب مستغنی گردیده و با مطالعه کمترین حجم مطالب، بیشترین بهره‌وری را برای وی حاصل آید.
- با وجود امتیازاتی که برای کتاب حاضر برشمرده شد، یقیناً مطالب آن خالی از ایراد نیست، از این رو خوانندگان محترم، اگر در رفع ایرادات اینجانبان منت بگذارند ما را سپاسگزار خود خواهند نمود. در اینجا لازم می‌دانم از همه‌ی عزیزانی که با همراهی و معاضدت و نصایح خود در ایجاد این اثر ما را یاری داده‌اند تشکر کنم. این تحقیق را به آنها تقدیم می‌کنم که باعث آنها بودند و ما رهین منت. امید است تحقیق حاضر تحفه‌ای سره و شایسته بر سفره حقوق دانان و محققین محترم باشد.

وسلام علی من التبع الهدی

علی محمدی - بهار ۱۳۹۴



## مقدمه

امروزه، بسیاری از اشیاء و لوازمی که در اطراف ما وجود دارند و حتی برخی از لوازم ضروری زندگی، از طلای سیاه یا نفت خام ساخته شده‌اند. اگر نفت نبود، بخش بزرگی از زندگی امروزی ما متوقف می‌شد. نفت مشتمل بر نفت خام، گاز طبیعی، و میعانات گازی، کالای خاص و استراتژیکی است که نمی‌توان آنها را در ردیف سایر کالاها قرار داد. نفت برای کلیه کشورهای اعم از تولیدکننده و یا مصرف‌کننده اهمیت بسیار زیادی دارد. کشورهای تولیدکننده به نحو فزاینده‌ای به تولید نفت و درآمدهای حاصل از آن وابسته‌اند و از آن طرف تمدن و شکوفایی اقتصادی کشورهای صنعتی و مصرف‌کننده نیز به تأمین انرژی متکی می‌شود.

نفت یک سوخت فسیلی است که در فرآیند بسیار طولانی در طول میلیون‌ها سال از گیاهان و جانوران ریز در ته اقیانوس‌ها تشکیل شده است. این گیاهان و جانوران ذره‌بینی در لایه‌های گل، ریزه‌های شن، پولک و صدف موجودات دریایی مدفون شده و یک لایه رسوبی راتشکیل می‌دهند. در اثر دفن سریع این گیاهان و موجودات زیر لایه‌های رسوبی، آنها از حمله باکتری‌ها در امان قرار گرفته، از فاسد شدن مصون می‌مانند. لایه روی لایه این فرآیند تکرار و لایه به تدریج ضخیم‌تر می‌شود. با افزایش ضخامت لایه، فشار و حرارت بر لایه‌های زیرین افزایش پیدا کرده، زمینه برای تبدیل این گیاهان و حیوانات ریز به نفت فراهم می‌گردد. دقیقاً معلوم نیست که چه مدتی طول می‌کشد که این فرآیند شیمیایی انجام گیرد تا این گیاهان و حیوانات ریز به نفت تبدیل شوند ولی مسلم است که این فرآیند مستلزم میلیون‌ها سال گذشت زمان است.

تبدیل گیاهان و جانوران ریز به نفت به این معنا نیست که هر جا این فرآیند انجام شده، یک مخزن نفت جهت بهره‌برداری وجود دارد. برای استیصال نفت شرایط ژئولوژیک دیگری نیز لازم است.

این شرایط عبارتند از:

- ۱- وجود سنگ منشا، در لایه‌های زیرین منطقه‌ای که نفت و گاز از آن تولید می‌شود.
  - ۲- وجود سنگ مخزن برای نگهداری نفت و گاز
  - ۳- تله نفت، که اجازه می‌دهد مقادیر قابل توجهی نفت و گاز در یک منطقه مشخص جمع شود.
- مؤلفین با توجه به تخصصی بودن این کتاب و جلوگیری از حجیم شدن آن، از آوردن مطالب فنی - مهندسی مربوط به پیدایش نفت و استخراج آن خودداری می‌نمایند.

مسایل نفت از جهت اکتشاف و تولید، سرمایه‌گذاری، انتقال فناوری، حمل و نقل، تجارت، مصرف و تبعات زیست محیطی و امثالهم تنها جنبه داخلی ندارند بلکه اکثر مسایل و روابط مرتبط با نفت دارای تبعات بین‌المللی و فرامرزی می‌باشد که برخورد با آن مسایل و تنظیم روابط آن مستلزم یک نظم بین‌المللی است.

مطابق ماده ۱ بند ۱ قانون نفت ۱۳۶۶ اصلاحی ۱۳۹۰، نفت به «هیدروکربورهایی که به صورت نفت خام، میعانات گازی، گاز طبیعی، قیر طبیعی، پلمه سنگ‌های نفتی و ماسه‌های آغشته به نفت به حالت طبیعی یافته شده و یا طی عملیات بالادستی بدست می‌آید» اطلاق می‌شود. بنابراین نفت مانند گاز طبیعی، میعانات گازی و سایر هیدروکربورهایی است که در حالت طبیعی یافت می‌شوند. مطالبی که در این کتاب در مورد نفت مطرح می‌شود اصولاً جنبه عام داشته و شامل گاز و میعانات گازی نیز می‌شود. در برخی مواقع نیز نفت و گاز برای تأکید به هم عطف می‌شوند.

در قرن ۱۹ و پس از انقلاب صنعتی، برای توسعه به سوخت بیشتری نیاز بود. در سال ۱۸۵۹ میلادی یک شرکتی در پنسیلوانا واقع در ایالت متحده آمریکا تصمیم گرفت که برای یافتن نفت و درست کردن یک چاه، زمین را حفاری کند. نخست مشکلات زیادی وجود داشت، ولی سرانجام در بیست و هفتم ماه اگوست سال ۱۸۵۹ میلادی مته حفاری آنها از میان سنگ‌ها گذشت و به یک مخزن عظیم نفت رسید.

اولین چاه نفت فقط ۲۱ متر عمق داشت، اما چاه‌های نفتی کنونی، معمول صدها متر عمق دارند. یکی از عمیق‌ترین آنها چاه کارون شماره‌ی یک در جنوب شرقی اندیمشک است که ۴۸ متر عمق دارد. در سال ۱۹۰۲ میلادی، داری نخستین چاه نفت را به نام چیا سرخ در نزدیکی قصر شیرین حفر کرد و به نفت رسید. در سال ۱۹۰۵ دو چاه در میدان نفتوان واقع در مسجد سلیمان را حفر کرد، ولی اثری از نفت نیافت. سه سال بعد، چاه شماره‌ی یک مسجد سلیمان را حفر نمود و به مخزن بزرگی از نفت رسید.



## عوامل تأثیر گذار بر شکل گیری حقوق نفت

شکل گیری نظام حقوقی حاکم بر صنعت نفت ایران را می توان تابع متغیرهای مختلفی دانست که مهمترین آنها عبارتند از:

### ۱- عوامل فنی

از جمله نیاز مبرم فنی و تکنولوژیکی کشور خصوصاً در بخش بالادستی عدم توسعه میدان های موجود از طریق علمی و عدم استفاده از تکنولوژی روز و بهره برداری غیراصولی از آنها، خسارات اقتصادی هنگفتی به این ذخایر ارزشمند کشور وارد کرده است.

### ۲- عوامل اقتصادی

از جمله کمبود منابع مالی داخلی برای تأمین سرمایه گذاری های مورد نیاز صنعت نفت و محدود بودن منابع مالی برای سرمایه گذاری در صنایع نفت در جهان و رقابت شدید کشورهای نفت خیز برای جذب این سرمایه ها.

در حال حاضر حوزه های رقیب کشور ما برای جذب سرمایه گذاری خارجی عبارتند از: آفریقا، آسیای مرکزی، آمریکای لاتین، روسیه و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس. برای نمونه طبق اعلام اتاق بازرگانی دبی GDP کشور امارات تا سال ۲۰۱۰ میلادی به ۱۵۹ میلیارد دلار رسید که حدود ۵۰٪ آن در فعالیت های نفتی بوده است.

همچنین کشور عراق نیز بصورت بالقوه رقیب جدی برای صنعت نفت کشور ما محسوب می شود. در همین راستا دولت عراق در صدد است بزودی با تصویب قانونی شرایطی بسیار سهل و آسان برای سرمایه گذاری خارجی در صنایع نفت خود به تصویب برساند، و همزمان ۱۵ بلوک نفتی این کشور را به مناقصه بگذارد.

این موضوع موجب می شود که معدود شرکت های نفتی خارجی علاقمند به سرمایه گذاری در صنعت نفت کشور تجدید نظر کرده و یا امتیازات بیشتری را از شرکت ملی نفت ایران مطالبه نمایند.

### ۳- عوامل سیاسی بین‌المللی

با توجه به تحریم‌های رسمی دولت آمریکا برای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران و تصویب قانون محدودسازی سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران و اعمال فشارهای سیاسی، اقتصادی و حقوقی بر کلیه شرکت‌های خارجی برای ممانعت از سرمایه‌گذاری آنها در ایران، و به موازات تشدید تهدید به اعمال تحریم گسترده اقتصادی توسط شورای امنیت، شرایط سیاسی بسیار سختی بر صنایع نفت ایران حاکم گردیده است.

در این شرایط دایره شرکت‌های "صاحب صلاحیت" نفتی آماده برای سرمایه‌گذاری در ایران بسیار محدود گردیده و به تبع آن، معدود شرکت‌های آماده مشارکت در پروژه‌های ایران برای انعقاد قرارداد از قدرت چانه‌زنی قوی‌تری برخوردار خواهند بود.

لذا در این دوره حساس ضرورت دارد ضمن توسعه "کیفی" شرکت‌های ایرانی به منظور حضور فعال در بخش بالادستی صنعت استراتژیک نفت و جایگزینی تدریجی شرکت‌های خارجی، شرکت ملی نفت در مورد انعقاد قرارداد با شرکت‌های معتبر بین‌المللی در بخش بالادستی صنایع نفت و گاز باید "شرایط زمانی" را کاملاً در نظر داشته و از این فرصت بهترین استفاده را برای حفظ منافع ملی استفاده نماید.

قطعاً در تنظیم چارچوب حقوق نفت ایران باید منافع ملی لحاظ شود، ولی آیا چارچوبی که موجب کاهش شدید نزدیک به توقف سرمایه‌گذاری در جهت توسعه صنعت نفت باشد، را می‌توان در راستای منافع ملی تفسیر کرد؟

### ۴- قانون نفت

قانون خاص هر بخش، آئینه‌ای برای فعالین آن بخش می‌باشد. در صنعت نفت نیز وجود یک قانون جامع و شفاف یک پیش‌نیاز محسوب می‌شود. در حال حاضر حتی کشوری همچون موزامبیک دارای قانون نفت شفاف و جامع‌تری در مقایسه با کشور ما می‌باشد. لذا لازم است قانون نفت ایران با لحاظ داشتن کلیه عوامل پیرامونی صنعت نفت و تجارب بین‌المللی و داخلی نگارش شود و کلیه قوانین و مقررات بنیادی که بصورت پراکنده در قوانین و مقررات مختلف در رابطه با صنعت نفت وضع گردیده در این قانون متمرکز شود.

## ۵- اعتبار ملی

بدون شک تحولاتی که در نظام حقوقی صنعت نفت ایران از جمله تصمیم به ملی شدن صنعت نفت و تبعات حقوقی بین‌المللی آن و در دوره‌ی اخیر طراحی مدل قراردادهای خرید متقابل (Buy-Back) در چارچوب محدودیت‌های قانونی کشور، تأثیر زیادی در حقوق نفت در جهان داشته است و کشورهای زیادی تحولات در حقوق نفت ایران را پیگیری و الگوبرداری کرده‌اند. لذا حقوق نفت ایران صرفنظر از مباحث اجرائی دارای اعتبار ملی برای کشور ما می‌باشد. بر همین اساس نگرش به این حوزه باید متفاوت و بسیار تخصصی‌تر باشد.

## عملیات نفتی

عملیات و فعالیت‌های نفتی شامل کاوش‌های اولیه و مطالعات زمین‌شناسی تا اکتشافات، توسعه، بهره‌برداری، انتقال، ذخیره‌سازی، پالایش، تبدیل، پخش و خرید و فروش نفت می‌گردد. که در ماده یک قانون نفت ۱۳۵۳ به این موضوع اشاره شده است. عملیات نفتی به دو گروه عمده تقسیم می‌شود: عملیات بالادستی و عملیات پایین‌دستی. البته برخی عملیات پایین‌دستی را هم به عنوان گروه سوم معرفی می‌نمایند، که در واقع بخشی از عملیات پایین‌دستی است که مربوط به انتقال نفت و گاز است. در قانون نفت جمهوری اسلامی ایران نیز تنها عملیات بالادستی و پایین‌دستی اشاره شده است و سخنی از عملیات میان‌دستی به میان نیامده است.

### الف) عملیات بالادستی نفت و گاز

اصطلاحات بالادستی و پایین‌دستی برای حرکت آب رودخانه‌ها بکار می‌رفته است. بخش بالادستی به سرچشمه‌های آب در کوهستان‌ها و بخش پایین‌دستی به حرکت آب به سمت پایین در مسیر رودخانه‌ها اطلاق می‌گردد. براین اساس عملیات بالادستی نفت به فعالیت‌های متنوعی اطلاق می‌شود که منجر به تولید نفت و گاز می‌شود. این فعالیت‌ها شامل انجام کاوش‌های اولیه، عملیات اکتشافی، توسعه میدان از طریق حفر چاه و نصب تجهیزات سطح‌الارضی و نهایتاً تولید است. از آنجا که این فعالیت‌ها از اکتشاف شروع شده است و به تولید منجر می‌شود، به فعالیت‌های اکتشاف و تولید هم معروف می‌باشند. فعالیت‌های بالادستی به سه دسته اصلی اکتشاف، توسعه و تولید تقسیم می‌شوند.

### الف- اکتشاف

امروزه اکثر میادین نفتی عظیم دنیا کشف شده‌اند و بنابراین جستجوی بیشتر برای پیدا کردن میادین کوچکتر، علی‌رغم پیشرفت‌های دانش بشری نسبت به گذشته، پیچیده‌تر است. زیرا میادین کشف نشده از مشخصه‌های منحصر به فردی برخوردار است که پیچیدگی فعالیت‌های اکتشافی را افزایش می‌دهند. بطور کلی اکتشاف به فعالیت‌های گوناگونی اطلاق می‌شود که برای جستجوی نفت و گاز انجام می‌شود که از مهمترین آنها انجام مطالعات زمین‌شناسی، لرزه‌نگاری، و حفر چاه می‌باشد.

براساس ماده ۱۱ اساسنامه شرکت نفت مسئولیت‌های طرف قرارداد در مرحله اکتشافی به نحو ذیل می‌باشد که عبارتند از:

- ۱- طرف قرارداد مسئولیت تأمین کلیه وجوه لازم برای انجام عملیات اکتشافی را برعهده خواهد داشت.
- ۲- طرف قرارداد فقط وقتی مستحق بازیافت وجوه مزبور خواهد بود که عملیات منجر به کشف میدان تجاری بشود.
- ۳- در صورتی که کشف میدان تجاری مطابق ضوابطی که در قرارداد مربوط تصریح می‌شود به تحقق پیوندد منجر به عملیات توسعه میدان مزبور آن خواهد شد.
- ۴- تأمین وجه لازم برای عملیات توسعه نیز در صورتی که شرکت نفت درخواست کند بر عهده طرف قرارداد خواهد بود.

### ب- توسعه

پس از توصیف میدان و احراز اقتصادی بودن توسعه آن، برنامه جامع توسعه تهیه و تدوین می‌شود. در این برنامه رئوس کلی عملیات اجرایی برای توسعه میدان و نیل به تولید مورد نظر ترسیم می‌شود. در این برنامه میزان چاه‌ها، دکل‌ها، نوع چاه‌ها از جهت عمودی، افقی، چند شاخه‌ای، تأسیسات سرچاهی، خطوط لوله جریانی، تأسیسات فروش نفت و صادرات بصورت کلی مشخص می‌گردد. فعالیت‌های توسعه‌ای به دو بخش کلی حفاری و ساخت و نصب تأسیسات سطح‌الارضی قابل تقسیم است.

### ج- بهره‌برداری

پس از حفر چاه‌ها و ساخت و نصب تجهیزات سطح الارضی، صحت انجام عملیات اجرایی و عملکرد تک‌تک تأسیسات قبل از راه‌اندازی مورد بررسی قرار می‌گیرد. زمانی که بررسی‌ها با موفقیت به پایان رسید، تکمیل مکانیکی تأسیسات محقق شده است و شرایط برای تست همزمان چاه‌ها و تأسیسات مربوطه از طریق ورود خوراک فراهم خواهد شد. بهره‌برداری مستلزم نگهداری، تأمین قطعات و مواد مصرفی و تعمیرات خواهد بود.

#### بررسی اصول و قواعد مشترک در قراردادهای بالادستی صنعت نفت

بدیهی است که وجوه مشترک قراردادها حاکی از عوامل مشترکی است که بدون توجه به نوع عقد آنها در اغلب قراردادهای نفتی حال حاضر جهان مورد توجه واقع می‌شوند.

این عناصر اساسی و مشترک را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

۱. مدت قرارداد: در کلیه قراردادها سه دوره مقدماتی، اکتشاف و استخراج پیش‌بینی شده است.
۲. انصراف: در کلیه قراردادها، شرکت‌های نفتی، می‌بایست از بخش معینی از منطقه اکتشافی طی مدت زمان مشخصی چشم‌پوشند.
۳. حفاظت: در کلیه قراردادها به کارگیری حد اکثر کارایی تکنیکی توسط شرکت بین‌المللی نفت در موافقتنامه قید می‌شود. با این همه حصول اطمینان کشور میزبان از پایداری شرکت بین‌المللی نفت به این بند از قرارداد دشوار است و دولت‌های کشورهای میزبان متناسب با توان کارشناسی خود می‌کوشند که عملیات منطبق با این بند از توافق، صورت گیرد.
۴. بازاریابی: اغلب شرکت‌های نفتی بهتر از بسیاری از دولت‌ها، نفت خام را به بازار می‌رسانند. بنابراین در اکثر قراردادها وظیفه بازاریابی به شرکت‌های نفتی محول می‌شود.
۵. تعیین تکلیف در مورد مالکیت ابزار و لوازم تولید پس از پایان قرارداد: در کلیه قراردادهای در مورد سر‌نوشت ابزارآلات پس از تمام شدن مدت قرارداد، تعیین تکلیف می‌شود.
۶. تضمین عملکرد: کلیه قراردادها شامل بندهایی است که شرکت نفتی را ملزم به عملکردی مطابق با قانون یا موافقت‌نامه می‌سازد.
۷. توجه به تقاضای داخلی کشور میزبان: در اغلب قراردادها یا قوانین نفتی، شرکت

بین‌المللی نفت، ملزم است، تقاضای داخلی کشور میزبان را تأمین کند. قیمت نفت و گاز مطالبه شده، می‌تواند بین قیمت بازار جهانی و هزینه تولید، بر اساس مذاکره، تعیین شود.

۸. **احداث صنایع جانبی:** در قراردادها این امکان وجود دارد که دولت میزبان از شرکت نفت بخواهد به احداث صنایع جانبی نظیر پالایشگاه، واحدهای صنعتی دیگر، واحدهای عملیات نفتی و .. مبادرت ورزد.

۹. **الزام به خرید کالا و خدمات:** شرکت‌های نفتی در اغلب قراردادها ملزم به خرید کالا و خدمات تولید داخلی هستند. و مشروط به این که کالاها و خدمات در شرایط رقابتی تهیه شوند. برای کشور میزبان آگاهی کامل از سیاست خرید و تدارک شرکت نفتی جهت استفاده از فرصت به دست آمده برای تولیدکنندگان داخلی ضروری است.

۱۰. **آموزش نیروی انسانی کشور میزبان:** در اغلب قراردادهای نفتی، شرکت نفتی ملزم به دادن آموزش به نیروی انسانی کشور میزبان است و دولت کشور میزبان نیز با دقت وظایف شرکت نفتی را در این زمینه مشخص می‌کند. برخی از این وظایف شامل آموزش کارکنان شرکت ملی نفت یا آژانس‌های دولتی یا وابسته به دولت، به همان ترتیبی است که شرکت نفتی افراد خود را آموزش می‌دهد.

۱۱. **تعیین سطح سرمایه‌گذاری خارجی:** با توجه به نوع قراردادسقف یا کف هزینه‌های سرمایه‌ای مشخص می‌شود.

۱۲. **الزامات کاری و زمان‌بندی:** در اغلب قراردادها حداقل تعداد چاه‌هایی که باید حفر و میزان عملیات اکتشافی که می‌بایست صورت گیرد، مشخص شده و پیمان‌کار موظف است طی زمان و سقف هزینه مشخص شده عملیات مذکور را به پایان رسانند.

۱۳. **کمیته مشترک:** در اغلب قراردادها از طریق کمیته مشترک می‌توان بر عملیات نفتی تأثیر گذاشت.

۱۴. **انتشار اطلاعات:** شرکت نفتی ملزم به ارائه کلیه اطلاعات کسب شده طی عملیات می‌نماید و بدین وسیله امکان کنترل بر شرکت نفتی را به وسیله کشور میزبان را فراهم می‌آورد.

۱۵. **پیش‌بینی مرجع حل اختلاف:** عموماً در قراردادها، مرجع حل اختلاف در صورت بروز مشکل حقوقی پیش‌بینی می‌شود.

### تمایزات انواع قراردادهای بالا دستی صنعت نفت

صنعت نفت و گاز ایران، به عنوان مهم‌ترین بخش اقتصاد کشور، با بحران سرمایه‌گذاری روبرو است به طوری که میزان تشکیل سرمایه در سال‌های پس از انقلاب اسلامی با کاهش شدیدی نسبت به قبل از آن، به وضعیت نگران‌کننده‌ای رسیده است. حقیقت این است که در این صنعت معمولاً دولت‌ها به تنهایی از عهده‌ی تأمین مالی بر نمی‌آیند لذا کمپانی‌های بزرگ نفتی در جهان از دیرباز حضور گسترده‌ای در بخش‌های مختلف صنعت نفت و گاز کشورهای تولیدکننده داشته‌اند. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با تغییر قانون اساسی و قانون نفت از بین روش‌های رایج و متداول در جهان جهت همکاری با کمپانی‌های نفتی خارجی، راهی به جز استفاده از روش خرید خدمت یا بیع متقابل باقی نماند.

در واقع، مجموعه شرایط قانونی، سیاسی و اقتصادی در کشور موجب شد اصول حاکم بر قراردادهای بیع متقابل به صورت زیر ارائه گردد:

۱- حفظ حاکمیت ملی بر منابع نفت و گاز کشور

۲- هماهنگی کامل با قوانین و مقررات کشور، به خصوص قانون نفت

۳- استفاده از فناوری مدرن در توسعه‌ی میدین

۴- آموزش و انتقال تکنولوژی

۵- مدیریت مشترک ایرانی - خارجی

۶- عملیات بهره‌برداری ایرانی

۷- بهره‌گیری از توان داخلی

۸- نظارت کامل توسط شرکت ملی نفت

۹- شفافیت ترتیبات مالی قرارداد

۱۰- ریسک عدم تولید با شرکت خارجی

۱۱- کوتاه‌مدت بودند ورهی قرارداد

مسلماً قراردادهای بیع متقابل حاوی امتیازاتی چند برای شرکت‌های نفتی بین‌المللی می‌باشد. زیرا در غیر این صورت، سرمایه‌گذاری در این زمینه انجام نخواهد پذیرفت. روشن است که همواره در این گونه تبادلات، هر دو طرف به دنبال سود خود می‌باشند. اما لازم به ذکر است، شرکت‌های نفتی بین‌المللی از قراردادهای بیع متقابل ایراد می‌گیرند که از جهاتی منافع آنان را

تأمین نمی‌کنند به عنوان مثال، چنین استدلال می‌کنند که به واسطه ماهیت کوتاه‌مدت این قراردادها، شرکت‌ها نمی‌توانند از توسعه تدریجی میادین در بلندمدت به نفع خود بهره‌برداری کنند. از این رو، برخی اظهار داشتند که برای حصول اطمینان از سودآوری مشارکت خود با ایران، باید در چند قرارداد کوتاه مدت دیگر نیز با ما همکاری کنند. از نظر کمپانی‌های نفتی احتمالاً یک قرارداد مشارکت در تولید و در سطوح هزینه و با مالیات اندک به همراه سهم قابل توجهی از مشارکت در سود، بسیار جذاب به نظر می‌رسد.

و بر عکس یک موافقت‌نامه امتیازی با نرخ بالای مالیات و سود برای کشور میزبان، به رغم ذهنیت غلطی که این شیوه از قرارداد را به عنوان مطلوب‌ترین شیوه برای خارجیان مطرح می‌کند، امروزه برای آنها فاقد جذابیت کافی است.

به هر جهت تمایز قراردادهای بیع متقابل و مشارکت در تولید شامل موارد زیر می‌باشد:  
الف: در قرارداد بیع متقابل، پیمانکار تنها سفارش را انجام می‌دهد و سپس میدان به دولت تحویل داده می‌شود.

ب: در صورتی که قیمت نفت در میان مدت، افزایش یابد سهم پیمانکار خارجی از طرح، کاهش خواهد یافت در حالیکه در قراردادهای مشارکتی جلب سرمایه‌گذاری در تولید، در شرایط افزایش قیمت نفت، سهم قابل توجهی از تولید نصیب طرف خارجی خواهد شد.

د: در قراردادهای بیع متقابل، سهم دولت از درآمدهای پروژه‌ی بسیار بالاتر از اشکال دیگر قرارداد است.

با توجه به مطالب مذکور می‌توان نتیجه گرفت به دلایل اقتصادی، قانونی و سیاسی قراردادهای بیع متقابل؛ با توجه به شرایط و ضوابط ایران برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی، در این کشور شیوه‌ی مناسبی بوده است و البته همواره باید در این زمینه مطالعه و تلاش به منظور بهبود شرایط کنونی و انجام اصلاحات مورد نیاز صورت گیرد. لازم به ذکر است مقوله‌ی سرمایه‌گذاری در نفت و گاز کاملاً تخصصی می‌باشد و با توجه به وضعیت کشور از پیچیدگی خاصی برخوردار است. لذا باید در این مقوله از متخصصان داخلی و خارجی بهره جست و منافع ملی را از هر جهت مورد توجه قرارداد.

از بررسی اصول و قواعد حقوقی حاکم بر دعاوی نفتی بین‌المللی، این نتیجه به دست می‌آید که اعمال اصول حقوقی ماهوی باعث شده تا نتایجی را که منطقی‌تر است از اعمال اصول اولیه حقوقی به دست آید، حاصل نگردد. به عبارت دیگر قواعد حقوق داخلی کشور میزبان با توجه



به این نکته که دیوان نقش ویژه‌ای برای شرط ثبات در قرارداد قائل شده و اصل الزام‌آور بودن قرارداد را در پرتو آن محرز دانسته است، مورد توجه قرار نگرفته است. با توجه به این که اصل الزام‌آور بودن قراردادها یکی از مهمترین عناصر مهم ارتباطی است، به نظر مؤلفین تفاوتی که بین اعمال اصول مذکور در معاهدات بین‌المللی و قراردادهای نفتی وجود دارد، از ماهیت تحولات مؤثر در این زمینه نشأت می‌گیرد. از همین رو است که استناد به این اصل، در معاهدات، تحت شرایط استثنایی صورت می‌پذیرد و در قراردادهای نفتی با توجه به ماهیت رابطه حقوقی این تحولات و در زمان طولانی رخ می‌دهد.

از طرفی تفکیک اختلافات، به اعتبار منشاء آن در چهارچوب مساله احراز قانون حاکم، دارای آثار حقوقی متفاوتی می‌باشند. از جمله می‌توان به ارتباط بین اجزاء و آثار قرارداد با نظام حقوقی مناسب و محدوده قواعد قابل اعمال اشاره کرد. مهمترین مساله در این ارتباط، عدم شمول مقررات حقوق داخلی در خصوص شرایط مناسب مالکیت بیگانگان و پرداخت غرامت است که الزاماً با حقوق بین‌الملل و مقررات عرفی بین‌المللی، مرتبط می‌شود و در واقع اعمال قانون ملی در این خصوص، امکان پذیر نمی‌باشد.

به طور کلی آرای داوری این دوره دارای یک تناقض و به عبارتی دور حقوقی است. بدین معنا که جهت احراز قانون حاکم و قابل اعمال بر قرارداد، نخست به شناخت ماهیت قرارداد متوسل می‌شوند و بیشترین استدلال خود را در بیان ماهیت قراردادی از جمله شرط ثبات، شرط ارجاع امر به داوری و محدوده حقوق و تعهدات طرفین در قرارداد بنا می‌نهد. سپس برای همین شروطی که مبنای تعیین ماهیت قرارداد، واقع شده، آثار حقوقی به اعتبار ماهیت قرارداد، قائل می‌شوند. در حالیکه ماهیت قرارداد، از شروط قراردادی مستقل است و رابطه طولی با یکدیگر دارند. به بیان دیگر شروط قراردادی در پرتو ماهیت قرارداد، قابل تفسیر و تعبیر هستند.

با توجه به اینکه، قانون حاکم بر قراردادهای نفتی یکی از اساسی‌ترین شروط حقوقی قرارداد محسوب می‌شود، استمرار و حیات قرارداد در پرتو آن امکان‌پذیر می‌باشد، معمولاً قرارداد با نظام‌های حقوقی متفاوتی (که به تفصیل از آن سخن به میان خواهد آمد) به طور قهری یا اختیاری مرتبط می‌باشد. در واقع قانون حاکم تابعی از ماهیت قرارداد است که بنا به میزان ارتباط عناصر قراردادی با نظام‌های حقوقی به عنوان قانون حاکم بر قرارداد معرفی شده‌اند

وبالآخره به نظر می‌رسد با الزام‌آور شدن روش‌های غیرقضایی که با تکیه بر اصل حسن نیت و اصول حقوقی بین‌المللی، اعمال می‌گردد، می‌توان بسیاری از اختلافات بین‌المللی را به طور مسالمت‌آمیز و به دور از تنش‌های سیاسی و نظامی را حل و فصل نمود و گامی در جهت تحقق صلح و آرامش جهانی برداشت. قراردادهای نفتی بین‌المللی به جهت مرتبط بودن با مسائل سیاسی و اقتصادی از چالش برانگیزترین موارد فیما بین طرفین قرارداد است که اختلافات ناشی از آن به راحتی با توسل به روش‌های شبه‌قضایی و غیرقضایی، قابل حل می‌باشد. البته به شرط آنکه از ضمانت اجرای مناسب، در سطح بین‌الملل برخوردار باشد و این امر بر سازمان ملل و دیگر سازمان‌های جهانی فرض است تا با در نظر گرفتن سازوکار مناسب، در جهت برقراری صلح و امنیت جهانی، ایفای نقش نمایند.

قراردادهای نفتی بحثی پیچیده و مشکل است و بازنگری در آنها مساله‌ای نیست که با چند جلسه بحث و گفتگو حل شود بلکه تجربه ثابت کرده این قراردادها باید به طور مستمر با اوضاع و احوال کشور و حتی جهان مورد بازنگری و مطابقت قرار گیرد.

انعطاف‌پذیری در قراردادهای نفتی لزوم کار تیم‌های مذاکره‌کننده است و تیم‌های مذاکره‌کننده در قراردادهای نفتی افرادی هستند متخصص که در هنگام مذاکره کاملاً تمام جوانب کار و منافع ملی کشور و مصلحت عمومی را مد نظر قرار می‌دهند اما نکته مهم اینجاست که یک تیم مذاکره‌کننده وقتی می‌تواند در مذاکراتش خوب عمل کند که تیم مطالعه‌کننده از پشت سر آنها را مورد پشتیبانی قرار دهد.

به عبارتی دیگر، در قراردادها باید تیم پشتیبان‌کننده یا همان تیم تفکر دقیقاً منافع ملی را مشخص کند و حتی برای جذب سرمایه‌گذار یا تیم مقابل امتیازاتی را هم بنابر مصالح ملی کشور یا همان منافع عمومی راتعیین کند که تیم مذاکره‌کننده بتواند بعضی وقت‌ها امتیازاتی را آگاهانه به تیم روبرو بدهد.

مذاکره و انعقاد قراردادهای صنعت نفت و گاز آمریکا کلاً فنی بوده که نیازمند اجماع کارشناسی است و در بسیاری از موارد از زمان تولد این قراردادها، تاکنون کارشناسان سه دوره نسبت به مرور و تجدید نظر در این نوع از قراردادها به مذاکره نشسته‌اند که در هیچ دوره‌ای نتوانسته‌اند به یک نتیجه کلی برسند. در حالی که هرچقدر هم این کارشناسان سرسخت باشند باز هم می‌توان بین نظرات همگرایی ایجاد کرد. چرا که استفاده از متخصصان در مذاکرات بسیار ضروری است.

همیشه در قراردادهای نفتی کشور، حاکمیت بر مخازن و حفظ منافع ملی دو اصل مهم بوده که باعث شده ما را از دیگر اصول غافل کند که البته ما مخالف این دواصل نیستیم اما نکته مهم اینجاست که هنوز تعریف فقهی کامل و جامعی که چارچوب‌های لازم را در این مورد که راه را به طور دقیق برای مذاکره‌کنندگان روشن کند وجود ندارد در حالی که همه این عوامل باید مشخص و شفاف بوده و مرزهایش مشخص باشد.

ارزش اقتصادی اولویت اول در قراردادهای بیع است، به اعتقاد ما اهمیت ارزش اقتصادی مخازن بسیار بیشتر از ارزش دلاری آن است، به عبارت دیگر، ارزش اقتصادی مخازن ما بلندمدت است یعنی باید طوری قراردادهای نفتی را انعقاد کنیم که افزایش دادن یا ماکزیم کردن این ذخایر یکی از سرخط‌های اهداف تیم مذاکره‌کننده باشد. همکاری با شرکت‌های بین‌المللی و ریسک‌پذیر شدن مهمترین گام برای بین‌المللی شدن شرکت ملی نفت با سابقه‌ای طولانی در صنعت نفت است.

دیدگاه ما نسبت به شرکت‌های بین‌المللی باید تغییر کند، ما باید با آنها کار کنیم تا مثل آنها شویم و این یعنی در قراردادها مفاد را طوری تنظیم کنیم یا ضمانت‌های اجرایی را به گونه‌ای بسازیم و سازوکارها را طوری فراهم کنیم تا قراردادهایمان به هدف اصلی یعنی بین‌المللی شدن برسند. مهمترین پیش‌زمینه بین‌المللی شدن ریسک‌پذیر بودن است، در غیر این صورت شرکت نفت همیشه در گوشه‌ای امن می‌ماند و تنها باید به درآمدهای نفتی خود اکتفا کند. در مجموع ارتقاء دانش فنی در سایه همکاری طولانی مدت با شرکت‌های خارجی، مدیریت پروژه‌های بزرگ، بیمه کردن و ماکزیم کردن ذخایر نفتی چند پیش‌زمینه مهم برای بین‌المللی شدن می‌باشد. گاهی شرکت ملی نفت برای رسیدن به هدفش یعنی بین‌المللی شدن باید امتیازی بدهد تا بتواند امتیازی دریافت کند چراکه به دست آوردن هر هدفی نیازمند هزینه کردن است.

به جرات می‌توان گفت با طراحی و متنوع کردن قراردادهایی مناسب برای میادین نفتی ایران، علاوه بر حفظ منافع و مصالح ملی، اهداف نامبرده نیز محقق می‌شود.

در بعضی از موارد در مذاکرات باید از بعضی از مواضع خود کوتاه بیاییم اما نکته حایز اهمیت این است که با هر شرکتی باید بدانیم چه نوع قراردادی منعقد و چطور درباره منافع مان صحبت کنیم.

در حال حاضر هر پروژه‌ای مثلاً افزایش ضریب بازیافت؛ یا توسعه یک میدان نفتی بکر مانند آزادگان هر کدام یک مدل قراردادی مخصوص به خود می‌طلبد و نمی‌توان یک نسخه واحد را برای تمام میادین استفاده کرد.

اساساً مدیریت بدون ریسک معنا ندارد و این ریسک باید براساس تدبیر باشد، زیرا اقتدار یعنی اعمال قدرت برگرفته از تدبیر مهمترین اصل در شرایط کنونی برای اصلاح قراردادهای نفتی مشخص شدن مصادیق و چارچوب مصالح و منافع عمومی کشور است زیرا بدون مشخص شدن این چارچوب‌ها هرکسی می‌تواند هر نکته و هر موضوعی را به این موضوع مرتبط کند. با توجه به تحریم‌های رسمی دولت آمریکا برای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران و تصویب قانون محدودسازی سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران و اعمال فشارهای سیاسی، اقتصادی و حقوقی بر کلیه شرکت‌های خارجی برای ممانعت از سرمایه‌گذاری آنها در ایران، و به موازات تشدید تهدید به اعمال تحریم گسترده اقتصادی توسط شورای امنیت، شرایط سیاسی بسیار سختی بر صنایع نفت ایران حاکم گردیده است.

در این شرایط دایره شرکت‌های "صاحب صلاحیت" نفتی آماده برای سرمایه‌گذاری در ایران بسیار محدود گردیده و به تبع آن، معدود شرکت‌های آماده مشارکت در پروژه‌های ایران برای انعقاد قرارداد از قدرت چانه‌زنی قوی‌تری برخوردار خواهند بود.

لذا در این دوره حساس ضرورت دارد ضمن توسعه "کیفی" شرکت‌های ایرانی به منظور حضور فعال در بخش بالادستی صنعت استراتژیک نفت و جایگزینی تدریجی شرکت‌های خارجی، شرکت ملی نفت در مورد انعقاد قرارداد با شرکت‌های معتبر بین‌المللی در بخش بالادستی صنایع نفت و گاز باید "شرایط زمانی" را کاملاً در نظر داشته و از این فرصت بهترین استفاده برای حفظ منافع ملی، استفاده نماید.

### **(ب) عملیات پایین دستی نفت و گاز**

زمانی که نفت و گاز تولیدی به حد استاندارد برسد که امکان نقل و انتقال ایمن آنها فراهم شود و بتوان آنها را برای مصارف بعدی یا صادرات عرضه نمود، فعالیت‌های بالادستی تمام شده تلقی شده و فعالیت‌های پایین دستی شروع می‌شود. البته همانطور که قبلاً بیان شد، بعضی

از مواقع در قانون یا در قرارداد برخی از فعالیت‌های پایین‌دستی همراه با فعالیت‌های بالا دستی در تعهد طرف قرارداد قرار می‌گیرد. مثل اینکه برخی از فعالیت‌های پایین‌دستی از جمله کشیدن خط لوله تا نقطه صادرات به عهده پیمانکار بالادستی قرار می‌گیرد.

در بند (۵) ماده ۱ قانون نفت اصلاحی ۱۳۹۰، عملیات پایین‌دستی نفت به کلیه مطالعات، فعالیت‌ها و اقدامات مربوط به عملیات تصفیه و پالایش در تأسیسات پالایشی جهت تولید فرآورده‌های نفتی و استفاده از آنها برای تولید محصولات پتروشیمیایی و انتقال، ذخیره‌سازی، توزیع، فروش داخلی، صادرات و واردات فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمیایی اطلاق می‌شود.

عمده عملیات پایین‌دستی عبارتند از خطوط لوله، پالایشگاه‌های نفت، پالایشگاه‌های گاز، مخازن نفت و گاز و پایانه‌های نفتی است.



## سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در عملیات نفتی

به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاری اشخاص خصوصی و خارجی با ملی شدن صنعت نفت و گاز ناسازگار باشد. ولیکن با مطالب ذیل مشخص خواهد شد که این ناسازگاری وجود ندارد. قانون اساسی مهمترین سند قانونی در هر کشوری می‌باشد و سایر قوانین و مقررات باید در چهارچوب اصول آن به تصویب برسد و هیچ قانون عادی نباید مغایر با آن باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بصورت خاص به موضوع نفت اشاره نکرده است ولیکن مقررات خاصی در این قانون وجود دارد که قابل تطبیق بر صنعت نفت می‌باشد.

در اصل ۴۳ قانون اساسی بر استقلال اقتصادی تأکید شده است که یکی از بارزترین مصداق‌های این استقلال، استقلال در صنعت نفت کشور است. این استقلال با وضع قوانین و سازوکارهای دیگر فراهم می‌شود و نمی‌توان صرفاً به این اصل بسنده کرد.

در اصل ۴۵ قانون اساسی به موضوع انفال اشاره شده است و اعلام می‌دارد که انفال در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل شود. براساس این اصل معادن که شامل مخازن نفت و گاز می‌شود جز انفال و ثروت‌های عمومی قلمداد می‌شود تا براساس منافع ملی مورد استفاده قرار بگیرد. در واقع انفال متعلق به دولت یا غیردولت نیست بلکه مالکیت آن برای عموم مردم است و کسی اعم از دولت و غیردولت مجاز نیست که مالکیت آنها را به سرمایه‌گذاران داخلی یا خارجی منتقل نماید. به عبارت دیگر هرگاه سرمایه‌گذاری مستلزم مالکیت سرمایه‌گذار بر منابع نفت و گاز باشد، اصل مزبور چنین سرمایه‌گذاری‌هایی را منع می‌نماید.

و همچنین علی‌رغم اینکه در اصل ۴۴ قانون اساسی صنایع نفت و گاز مورد تصریح قرار نگرفته است، ولی می‌توان برداشت کرد که صنایع نفت اعم از بالادستی و پایین‌دستی جز بخش انحصاری دولتی قلمداد شده است. و بخش خصوصی و تعاونی از ورود به آن منع شده‌اند.

در اصل ۸۱ قانون اساسی مانع دیگری در مسیر سرمایه‌گذاری خارجی دیده می‌شود. بر اساس